

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گفته‌ها

در قانون آیین دادرسی کیفری

دادستان

(دکترین و رویه قضایی)

جلد ششم



تدوین:

موسی رحیمی

محمد مهدی مخبریان نژاد

رضا رحیمی دهسوری

انتشارات چتر دانش

عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام Iran, Laws, etc.
عنوان و نام پدیدآور	: دادستان (دکترین و رویه قضایی)/ تدوین موسی رحیمی، محمدمهدی مخبریان نژاد، رضا رحیمی دهسوری.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۱۰ ص: ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
فروست	: گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری؛ ج. ۶.
شابک	: دوره ۲-۱۳۵-۴۱۰-۶۰۰-۹۷۸؛ ۴-۵۲۲-۴۱۰-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۱۰.
موضوع	: آیین دادرسی جزایی — ایران — Criminal procedure حقوق جزا — ایران — Criminal law دادستان‌ها — ایران — Public prosecutors
شناسه افزوده	: رحیمی، موسی، ۱۳۴۸ -
شناسه افزوده	: مخبریان نژاد، محمدمهدی، ۱۳۶۵ -
شناسه افزوده	: رحیمی دهسوری، رضا، ۱۳۶۶ -
شناسه افزوده	: گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری؛ ج.[۶].
رده بندی کنگره	: KMH۴۶۰۴
رده بندی دیویی	: ۳۴۵/۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۵۶۷۱۷۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا	

نام کتاب	: گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری دادستان (دکترین و رویه قضایی) جلد ششم
ناشر	: چتر دانش
تدوین	: موسی رحیمی - محمد مهدی مخبریان نژاد - رضا رحیمی دهسوری
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۴۰۱
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۴-۵۲۲-۴۱۰-۶۰۰-۹۷۸
قیمت	: ۶۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصفه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

پیشگفتار

۴۵ به نام خداوند بخشاینده مهربان

همان به که نیکی بود یادگار	نباشد همی نیک و بد پایدار
نخواهد بدن مر تو را سودمند	همان گنج دینار و کاخ بلند
سخن را چنین خوار مایه مدار	سخن ماند از تو همی یادگار
ز گوهر ورا پایه برتر سزید	سخن را سخن دان ز گوهر گزید
چنان کن که بر داد پویی همی	تو ای آن که گیتی بجویی همی

شاهنامه فردوسی

سلامت و سعادت فرد و جامعه و روح و جسم در گرو کسب رضای خداست^۱ احکام الهی، حدود و مرزهایی است که خداوند مقرر داشته است و اجازه تجاوز^۲ و حتی نزدیک شدن به آن‌ها را نمی‌دهد^۳ یکی از وظایف حکومت برقراری نظم و مجازات تعدی‌کنندگان به حدود الهی است^۴، دستیابی به حقیقت مستلزم جمع آوری دلایل، تحقیق از متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط در فرآیند دادرسی است، به‌گونه‌ای که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد نشود، شرافت آیین دادرسی کیفری از آن جهت است که عهده‌دار بیان سازوکارهای رعایت و تضمین عدالت در فرآیند تحقیق، رسیدگی و اجرای حکم است، و اهمیتش به این خاطر است که قوانین جزایی ماهوی را از حالت سکون خارج کرده و با در اختیار قرار دادن ابزار مناسب، مسیر را جهت اجرای عدالت ریل‌گذاری می‌کند.

با توجه به گستردگی منابع مورد نیاز جامعه حقوقی، کتاب حاضر که دفتری از مجموعه ای ۲۰ جلدی است به دادستان اختصاص یافته است و به شرح و

۱. سوره مائده، آیه ۱۶ ﴿يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ﴾

۲. سوره بقره، آیه ۲۲۹ ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾

۳. سوره بقره، آیه ۱۸۷ ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا﴾

۴. سوره صاد، آیه ۲۶ ﴿يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ﴾

تفسیر مواد قانونی مرتبط با دادستان از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به ترتیب زیر پرداخته است:

- نظریه‌های شورای نگهبان
- دکترین و اندیشه‌های حقوقی
- منابع معتبر فقهی و فتاوی مشهور فقیهان
- آرای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور
- آرای قضایی شعب دادگاه بدوی و تجدیدنظر و دیوان عالی کشور
- نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه
- نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح
- قوانین و مقررات مرتبط

از اندیشمندان و دانشجویان گرامی تقاضا دارد از طریق نشانی‌های زیر با ارائه پیشنهادها و نظرات نگارندگان را مورد عنایت و لطف قرار داده و یاری رسانند.

موسی رحیمی

MosaRahimi@hotmail.com

مهدی مخبریان نژاد

Mm_mokhberiannejad@yahoo.Com

رضا رحیمی دهنسوری

RezaRahimi127@yahoo.Com

فهرست

- پیشگفتار..... ۴
- فصل اول- دادسرا و حدود صلاحیت آن..... ۹
- فصل دوم- وظائف و اختیارات دادستان در دادسرا..... ۲۱
- بند ۱- جهات قانونی شروع به تعقیب..... ۲۲
- بند ۲- وظائف دادستان پیش از شروع تحقیق در جرائم مشهود..... ۳۵
- بند ۳- نظارت دادستان بر روند تحقیقات..... ۳۷
- بند ۴- قرارهای نهایی و تصمیمات صادره توسط دادستان..... ۳۹
- الف- قرار ترک تعقیب..... ۳۹
- ب- قرار بایگانی پرونده..... ۴۱
- پ- قرار تعلیق تعقیب..... ۴۶
- ت- ارجاع به میانجیگری..... ۵۳
- ث- دستور پرداخت دیه از بیت المال..... ۵۵
- بند ۵- صدور کیفرخواست..... ۵۸
- الف- شرایط صدور کیفرخواست..... ۵۸
- ب- عدول از کیفرخواست..... ۶۵
- پ- کیفرخواست شفاهی..... ۶۷
- بند ۶- تعقیب مجدد متهم پس از قطعیت قرار منع تعقیب..... ۷۰
- بند ۷- تفویض اختیارات دادستان به دادیار..... ۷۲

فصل سوم - وظائف دادستان نسبت به ضابطان دادگستری.....	۷۷
فصل چهارم - وظائف و اختیارات دادستان کل کشور.....	۸۱
پیوست قوانین و مقررات.....	۹۳
فهرست منابع.....	۱۰۲



فصل اول – دادسرا و حدود صلاحیت آن



ماده ۲۲- به‌منظور کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات، حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوی لازم در این مورد، اجرای احکام کیفری، انجام امور حسبی و سایر وظایف قانونی، در حوزه قضایی هر شهرستان و در معیت دادگاه‌های آن حوزه، دادرسی عمومی و انقلاب و همچنین در معیت دادگاه‌های نظامی استان، دادرسی نظامی تشکیل می‌شود.

اقامه دعوی لازم برای حفظ دولتی و عمومی ذی‌ربط در حوزه حقوق عمومی مذکور در ماده ۲۲ وظایف قانونی خود مکلف به طرح ق.آ.د.ک ناظر به ماده ۱۱ و سایر دعا و یا دفاع از دعاوی مربوط موارد قانونی است که مقنن وظائفی می‌باشند، چنان‌که تبصره الحاقی را بر عهده دادستان مقرر کرده است؛ بنابراین دادستان تنها در موارد قانونی مانند تبصره یک ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور و یا مواردی که لازمه انجام وظایف محوله قانونی وی است، مکلف به طرح دعوی حقوقی است. بدیهی است هر یک از دستگاه‌های

دولتی و عمومی ذی‌ربط در حوزه حقوق عمومی مذکور در ماده ۲۲ دعا و یا دفاع از دعاوی مربوط می‌باشند، چنان‌که تبصره الحاقی مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۴ ماده ۳۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری دفاع از حقوق بیت‌المال را در موارد پرداخت دیه از بیت‌المال بر عهده دستگاه پرداخت‌کننده دیه قرار داده است. (نظریه ۷/۹۴/۲۶۰۹-۱۳۹۴/۹/۳۰.ح.ق.)

ماده ۲۳- دادرسی به ریاست دادستان تشکیل می‌شود و به تعداد لازم معاون، دادیار، بازپرس و کارمند اداری دارد.

پیدایش دادرسی، به‌عنوان یک نهاد فرانسوی بعد از انقلاب مشروطه وارد سازمان قضایی کشور ما شد. در قرون وسطا در اروپا، افرادی به نام آووکا یا پروکوروود به نیابت از سوی سلاطین و برای دفاع از

منافع آنان در دادگاه‌ها شرکت می‌جستند. (آشوری، آ.د.ک، ج ۱، ص ۱۰۰).

تکلیف دادرسی به اقامه‌ی دعوی عمومی تحت عنوان قاعده «قانونی بودن تعقیب» یا «الزامی بودن تعقیب»

به رسمیت شناخته شده است (نظریه ۱۳۹۴/۹/۳۰-۷/۲۶۱۴.ح.ق).
معاون دادسرا عبارت از صاحب‌منصبی است که تحت نظارت دادستان، قسمتی از وظایف دادسرا را انجام می‌دهد و در غیاب دادستان جانشین اوست. دادیار، صاحب‌منصبی است که به نمایندگی از طرف دادستان انجام‌وظیفه می‌کند و بازپرس (قاضی تحقیق) و یا مستنطق عبارت است از صاحب‌منصبی که تحقیق مقدماتی جرائم و جمع‌آوری دلایل به سود و زیان متهم بر عهده اوست و تحت نظارت دادستان وظایف قانونی خود را انجام می‌دهد. (آخوندی، آ.د.ک، ج ۲، ص ۱۰۹).

ماده ۲۴- در حوزه قضایی بخش، وظایف دادستان بر عهده رئیس حوزه قضایی و در غیاب وی بر عهده دادرس علی‌البدل دادگاه است.

مطابق مفاد این ماده، وظایف دادستان بر عهده رئیس حوزه قضایی است و در غیاب وی، این وظیفه بر عهده دادرس علی‌البدل است، حال آن‌که مطابق بند «الف» قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (۱۳۸۱) وظیفه دادستان را دادرس علی‌البدل انجام می‌داد. مطابق این قانون دادرس دادگاه بخش علاوه بر این‌که به جرائم دو رسیدگی می‌کند، در مواردی عهده‌دار وظایف دادستان و بازپرس نیز خواهد بود، مواد ۲۴، ۲۹۹ و ۳۳۶ و ۳۳۷ به این موارد تصریح نموده است.
به نظر می‌رسد در فرض غیاب رئیس حوزه قضایی دادگاه بخش و دادرس علی‌البدل با عنایت به ملاک مواد ۳۳۶ و ۳۳۸، رئیس شعبه‌ای که دارای سابقه قضایی بیشتری است عهده‌دار وظایف دادستان می‌باشد. (نظریه ۱۳۹۴/۳۰/۹۴/۲۶۱۰.ح.ق).
با توجه به این‌که رسیدگی به جرائم مربوط به مواد مخدر حسب بند ۵ ماده ۵ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب

است؛ بنابراین در صورت صدور دستور اخذ وجه الكفالة یا صَبَط وثیقه توسط قاضی دادگاه بخش که مطابق ماده ۲۳۰ قانون فوق‌الذکر صادر گردیده، اجرای آن، مطابق ماده ۵۳۷ قانون با رئیس دادگاه بخش و در نبود ایشان با عضو علی‌البدل، می‌باشد و نیز رسیدگی به اعتراض نسبت به صدور دستور صَبَط مذکور هم به‌موجب تبصره ماده ۲۳۵ قانون فوق‌الاشعار با دادگاه کیفری دو نزدیک‌ترین شهرستان آن استان است. (نظریه ۹۴/۱۱/۲۰-۱۷/۳۲۱۵.ح.ق).

قوانین مرتبط: از همین قانون ماده ۲۷- دادستان شهرستان مرکز استان بر اقدامات دادستان‌ها، مقامات قضایی دادرسی شهرستان‌های آن استان و افرادی که وظایف دادستان را در دادگاه بخش بر عهده دارند، از حیث این وظایف و نیز حسن اجرای آراء کیفری، نظارت می‌کند و تعلیمات لازم را ارائه می‌نماید. ماده ۳۳۶- در دادگاه بخش، رئیس یا دادرس علی‌البدل در جرائم

۱۳۸۱ در صلاحیت دادگاه انقلاب است و عهده‌دار بودن وظیفه دادستان در حوزه قضایی بخش از سوی دادرس علی‌البدل به معنای صلاحیت دادگاه بخش در رسیدگی به جرائم مربوط به مواد مخدر نمی‌باشد، بنابراین دادگاه عمومی بخش صلاحیت ذاتی رسیدگی به جرائم مزبور را ندارد. (از نظریه ۹۳/۲/۲-۷/۹۳/۱۶۰.ح.ق).

در حوزه بخش، وظایف دادستان بر عهده رئیس حوزه قضایی بخش و در غیاب وی بر عهده دادرس علی‌البدل دادگاه بخش است و چون به‌موجب ماده ۴۸۴ قانون مذکور، اجرای احکام کیفری بر عهده دادستان است و معاونت اجرای احکام و دادیاران این معاونت تحت ریاست و نظارت دادستان به شرح مقررات مندرج در این ماده، انجام وظیفه می‌کنند و هم‌چنین طبق تبصره ۳ ماده ۴۸۴ قانون مرقوم، در حوزه قضایی بخش، اجرای احکام کیفری به عهده رئیس دادگاه و در غیاب وی با دادرس علی‌البدل

موضوع صلاحیت این دادگاه رأساً رسیدگی و رأی صادر می‌کند. در این دادگاه وظیفه دادستان از حیث تجدیدنظرخواهی از آراء بر عهده رئیس دادگاه است و در مورد آرای که توسط وی صادر می‌شود بر عهده دادرس علی‌البدل است. ماده ۳۳۷- در جرائم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون، رئیس دادگاه بخش به جانشینی از بازپرس و تحت نظارت و تعلیمات دادستان شهرستان مربوط، انجام‌وظیفه می‌نماید. در صورت تعدد شعب با ارجاع رئیس حوزه قضایی، رؤسای شعب عهده‌دار این وظیفه هستند. هرگاه دادگاه بخش فاقد رئیس باشد، دادرس علی‌البدل به‌عنوان جانشین بازپرس اقدام می‌کند و در هر حال، صدور کیفرخواست بر عهده دادستان است.

ماده ۲۵- به تشخیص رئیس قوه قضاییه، دادسراهای تخصصی از قبیل دادسرای جرائم کارکنان دولت، جرائم امنیتی، جرائم مربوط به امور پزشکی و دارویی، رایانه‌ای، اقتصادی و حقوق شهروندی زیر نظر دادسرای شهرستان تشکیل می‌شود.

توجه به دو نکته حائز اهمیت است، نخست این‌که این دادسراها تخصصی هستند نه اختصاصی چرا که این دادسراها در واقع قسمتی از دادسراهای عمومی هستند که تخصصی شده‌اند. بنابراین ارجاع سایر پرونده‌ها در صورت ضرورت ممکن است. دوّم: دادسراهای نامبرده شده با توجه به عبارت «از قبیل» تمثیلی هستند و در صورت تشخیص رئیس قوه قضائیه حسب مورد می‌توانند افزایش یابند. قوانین مرتبط: از بخشنامه دادستان کل کشور در خصوص حفظ حقوق بیت‌المال و منابع طبیعی و محیط‌زیست به دادستان‌های عمومی و انقلاب سراسر کشور سال ۱۳۹۵: ۱. با توجه به ضرورت رسیدگی تخصصی و خارج از نوبت نسبت به گزارش‌های مربوط به تصرف غیرمجاز اراضی جنگلی و مراتع و تخریب

محیط‌زیست مقتضی است حسب استانها، مجتمع یا شعب ویژه‌های از حجم پرونده‌های وارده بر اساس بخشنامه شماره ۱/۸۲/۱۰۶/۷۵ شهرستانهای شمالی کشور نسبت مورخ ۸۲/۶/۳۰ مصوب رئیس محترم قوه قضائیه با هماهنگی روسای محترم کل دادگستری به رسیدگی به این‌گونه پروندهها تشکیل شود.

ماده ۲۶- انجام وظایف دادسرا در مورد جرائمی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاهی غیر از دادگاه محل وقوع جرم است، به عهده دادرسی است که در معیت دادگاه صالح انجام‌وظیفه می‌کند مگر آن‌که قانون به نحو دیگری مقرر نماید.

صلاحیت هر دادسرا، تابع صلاحیت دادگاهی است که دادسرا در معیت آن، انجام وظیفه می‌کند. با این توضیح به انشاء ماده ۲۶ نیازی وجود نداشت. این امر ناشی از عدم آگاهی کامل نویسندگان قانون، به روش‌های آیین دادرسی کیفری است. قسمت اخیر آن نیز جایگاهی ندارد، زیرا، روش یادشده نمی‌تواند استثناء داشته باشد. (آخوندی، آ.د.ک، ج ۲، ص ۱۵۱).

یک دانست که با توجه به تبصره ماده ۲۹۷ شامل دادگاه انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند، نیز می‌شود. (خالقی، آ.د.ک، ص ۵۱).

مواد ۲۶ و ۴۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ناظر به دو امر متفاوت بوده و تعارضی با یکدیگر ندارند، به نحوی که هر یک در مجرای خود قابل‌اعمال‌اند. زیرا ماده ۲۶ ناظر به تعیین دادرسی صالح در تحقیقات مقدماتی جرائمی است که در مورد آن‌ها دادگاه محل وقوع جرم صالح به رسیدگی نمی‌باشد؛ مانند صلاحیت دادرسی داخل در صلاحیت دادگاه کیفری

یک قرار گیرد که در این صورت وظایف و اختیاراتی نظیر شرکت در جلسه دادگاه و دفاع از کیفرخواست بر عهده دادرسی محل وقوع جرم است؛ مانند جرائم قتل عمدی که مستلزم مجازات سلب حیات می‌باشد. ب- انجام تحقیقات راجع به جرائم مربوط به صلاحیت دادگاه انقلاب توسط دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان محل وقوع جرم و لو آن که دادگاه انقلاب در خارج از حوزه آن شهرستان مُستقر باشد از نظر قانونی واجد ابهامی نمی‌باشد و در عمل نیز اشکالی به نظر نمی‌رسد. (از نظریه ۹۴/۹/۳۰- ۱۷/۲۶۱۱.ح.ق).

عمومی و انقلاب تهران در رسیدگی به جرائم ارتكابی مقامات مذکور در ماده ۳۰۷ قانون فوق‌الذکر در خارج از حوزه قضایی تهران. اما ماده ۴۰۱ آن قانون، ناظر به تعیین وظایف و اختیارات دادرسی محل وقوع جرم در مواردی است که به لحاظ وقوع جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک، پرونده امر منتهی به صدور کیفرخواست از سوی دادرسی محل وقوع جرم شده است و لکن در حوزه قضایی دادرسی یادشده، دادگاه کیفری یک مُستقر نمی‌باشد و پرونده باید در خارج از حوزه قضایی مزبور، مورد رسیدگی دادگاه کیفری

ماده ۲۷- دادستان شهرستان مرکز استان بر اقدامات دادستان‌ها، مقامات قضایی دادرسی شهرستان‌های آن استان و افرادی که وظایف دادستان را در دادگاه بخش بر عهده دارند، از حیث این وظایف و نیز حسن اجرای آراء کیفری، نظارت می‌کند و تعلیمات لازم را ارائه می‌نماید.

و با حفظ دادستان شهرستان مرکز استان در جایگاه قبلی خود و دادن حق نظارت به ایشان بر عملکرد دادستان شهرستان‌های استان، سبب دلسرد شدن دادستان‌های

در دوران پیش از انقلاب، در مراکز استان‌ها؛ دادستان استان انجام وظیفه می‌کرد و در حال حاضر به ناحق در سازمان قضایی کشور ما، دادستان استان حذف شده است؛

غیر مراکز استان می‌شود. (آخوندی، آ.د.ک، ج ۲، ص ۱۵۳).

حق نظارت و ارائه تعلیمات لازم، متضمن حق حضور در جلسات بازجوی و حق درخواست انجام اقدام تحقیقی خاص نیز می‌باشد. (خالقی، آ.د.ک، ص ۵۱).

نظارت دادستان شهرستان مرکز استان بر اقدامات دادستان‌ها و مقامات قضایی دادرهای شهرستان‌های آن استان در ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به معنای دخالت در امور مربوط به وظایف اداری و قضایی آن‌ها نیست، با این توضیح که دادستان شهرستان مرکز استان، حق دخالت در اقدامات قضایی مقامات دادرهای شهرستان‌های مرکز آن استان را نداشته و صرفاً بر اجرای صحیح قانون در دادرای مزبور نظارت داشته و عنداللزوم نسبت به ارائه تعلیمات الزام و تذکر مراتب اجرای قانون می‌پردازد، بدون این‌که در روند پرونده‌های مربوط در عمل دخالتی داشته باشد و لذا نظارت مزبور باید به نحوی اعمال گردد که اعمال مدیریت از سوی رئیس دادگستری شهرستان و دادستان شهرستان مختل نگردد. بنابراین نظارت استصوابی منتفی است. (نظریه ۹۴/۹/۴-۲۶۱۲/۷/ا.ح.ق).

اختیارات و وظایف نظارتی دادستان شهرستان مرکز استان، مذکور در ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی از جمله امور قائم به شخص نیست که قابلیت تفویض به سایر مقامات ذی‌ربط در دادرای را نداشته باشد و به موجب ماده ۸۸ قانون فوق‌الذکر، دادستان می‌تواند وظایف و اختیارات خود (اعم از قضایی و اداری) را به معاون خود یا دادیاران تفویض نماید؛ بنابراین با توجه به فقدان نص قانونی بر منع دادستان مرکز شهرستان در تفویض اختیارات و وظایف، موجب قانونی جهت سلب تفویض اختیار از سوی وی در امر نظارت موضوع ماده ۲۷ قانون مارالذکر وجود ندارد. (نظریه

۲۹۲۳/۷/۹۴-۲۷/۱۰/۹۴.ح.ق).
 قوانین مرتبط: از همین قانون
 ماده ۲۴- در حوزه قضایی بخش،
 وظایف دادستان بر عهده رئیس
 حوزه قضایی و در غیاب وی بر
 عهده دادرس علی‌البدل دادگاه
 است. ماده ۳۳۶- در دادگاه بخش،
 رئیس یا دادرس علی‌البدل در
 جرائم موضوع صلاحیت این دادگاه
 رأساً رسیدگی و رأی صادر می‌کند.
 در این دادگاه وظیفه دادستان از
 حیث تجدیدنظرخواهی از آراء بر
 عهده رئیس دادگاه است و در مورد
 آرای که توسط وی صادر می‌شود
 بر عهده دادرس علی‌البدل است.
 ماده ۳۳۷- در جرائم موضوع ماده
 (۳۰۲) این قانون، رئیس دادگاه
 بخش به جانشینی از بازپرس و
 تحت نظارت و تعلیمات دادستان
 شهرستان مربوط، انجام وظیفه
 می‌نماید. در صورت تعدد شعب با
 ارجاع رئیس حوزه قضایی، رؤسای
 شعب عهده‌دار این وظیفه هستند.
 هرگاه دادگاه بخش فاقد رئیس
 باشد، دادرس علی‌البدل به‌عنوان

جانشین بازپرس اقدام می‌کند و
 در هر حال، صدور کیفرخواست بر
 عهده دادستان است.
 از دستورالعمل نظارت دادستان
 عمومی و انقلاب شهرستان مرکز
 استان (موضوع ماده ۲۷ قانون آیین
 دادرسی کیفری): در اجرای صحیح
 مواد ۲۸۸ و ۲۸۹ قانون آیین
 دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و
 به‌منظور هماهنگی و اتخاذ رویه
 واحد در امر نظارت دادستان‌های
 مرکز استان بر دادرس‌های
 شهرستان، موضوع ، ماده ۲۷
 قانون مذکور این دستورالعمل
 به شرح ذیل ابلاغ می‌گردد: ۱.
 دادستان شهرستان مرکز استان
 مکلف است در مقام اعمال نظارت
 و ارائه تعلیمات لازم در امور
 دادرس‌ها، اتخاذ تصمیمات به‌موقع
 و صحیح قضایی را مورد توجه قرار
 دهد و عندالاقضاء ضمن ملاحظه
 پرونده‌های مربوط رهنمودهای لازم
 را به‌نحوی که دخالت در کار قضایی
 یا موجب تأخیر در دادرسی نباشد
 متذکر شود. بدیهی است تشکیل

اشکالاتی را در امور دادسراها مشاهده نماید مکلف است ضمن تذکر به دادستان‌های مربوط برای رفع کاستی‌ها، چنانچه نیاز به اتخاذ تصمیم از طریق دادگستری استان یا دادستانی کل کشور باشد، مراتب را به رئیس کل دادگستری استان اعلام و موضوع را از طریق دادستانی کل نیز پیگیری نماید.

۵. اعمال نظارت دادستان مرکز استان در شهرستان‌ها باید به نحوی باشد که موجب اخلاص در امور روزمره دادرسی شهرستان مربوط نگردد. ۶. چنانچه دادستان مرکز استان در مقام نظارت، مواجهه با آراء خلاف شرع بین و یا قانون در محدوده مواد ۲۹۳ و ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری گردد، ضمن تهیه گزارش کامل و اظهارنظر مستدل و مستند مراتب را به دادستانی کل اعلام می‌نماید.

۷. دادستان شهرستان مرکز استان می‌تواند در جهت اجرای این دستورالعمل و سایر وظایف نظارتی یکی از معاونین خود را

کلاس‌های آموزشی کماکان توسط معاونت منابع انسانی دادگستری استان خواهد بود.

۲. محوره‌های نظارت و تعلیمات اموری از قبیل کشف جرم، تعقیب متهمین، تحقیقات مقدماتی، نحوه ارجاع پرونده‌ها، صدور قرارهای تأمین و نهایی، دفاع از کیفرخواست، اجرای احکام، ابلاغ اوراق قضائی، امور زندانیان، اقدامات راجع به پیگیری و نظارت بر ضابطان (عام و خاص)، پیشگیری از وقوع جرم و صیانت از حقوق عامه و محجورین می‌باشد. ۳. دادستان شهرستان مرکز استان مکلف است در مقام اعمال نظارت و بازرسی، علاوه بر مقررات قانون آیین دادرسی کیفری، دستورالعمل‌های مصوب رئیس محترم قوه قضائیه به‌ویژه دستورالعمل‌های مربوط به ساماندهی و کاهش جمعیت کیفری و ساماندهی واحدهای اجرای احکام کیفری را مدنظر قرار دهد.

۴. دادستان شهرستان مرکز استان در مقام اعمال نظارت، اگر

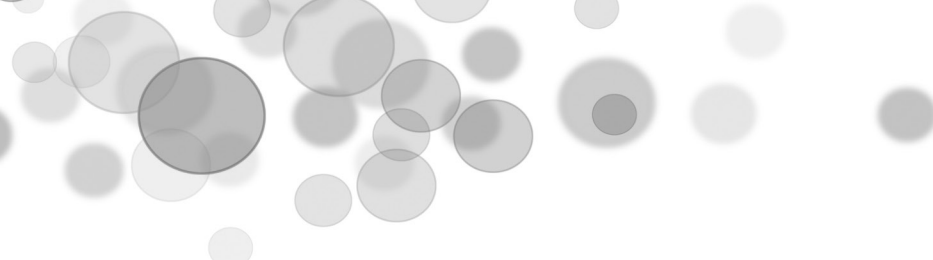
اجرای قانون و دستورالعمل‌ها هماهنگی لازم معمول و نتایج حاصله را به رئیس کل دادگستری استان و معاونت نظارت دادستان کل کشور اعلام نماید. ۱۱. به دادستان مرکز استان در اجرای ماده ۲۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره یک آن و ماده ۴۳ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، نمایندگی تفویض می‌شود قبل از ارسال پیشنهاد انتصاب، جابجایی و تغییر شغل و محل خدمت دادستان‌ها و مقامات قضایی دادسراها به دادستانی کل کشور، نظر خود را به صورت مکتوب به رئیس کل دادگستری استان جهت اظهارنظر اعلام نماید.

۱۲. دادستان مرکز استان موظف است ضمن نظارت بر حسن اجرای مقررات ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری از سوی دادستان شهرستان‌ها کمبود و نقایص ضابطان دادگستری را به صورت فصلی برای انعکاس به فرماندهی نیروی انتظامی و سایر

به‌عنوان نظارت بر دادسراها تعیین نماید. ۸. بانک اطلاعات جامعی تحت نظر دادستان شهرستان مرکز استان مشتمل بر مشخصات هویتی، تحصیلات، سنوات خدمتی، عملکرد قضائی، توان مدیریتی قضات دادسراهای شهرستان، جهت بهره‌برداری‌های لازم با همکاری رئیس کل دادگستری و معاونت نظارت دادسرای انتظامی قضات و نماینده حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه ایجاد می‌گردد. ۹. معاون نظارت دادستان کل کشور، مکلف است با همکاری مرکز آمار و فن‌آوری اطلاعات، ارتباط سیستمی بین دادسراهای عمومی و انقلاب شهرستان‌ها با دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان، برقرار و با ارتقاء سطح دسترسی دادستان‌ها، امکان نظارت الکترونیک را فراهم نماید. ۱۰. دادستان مرکز استان مکلف است جلساتی به صورت فصلی با دادستان‌های شهرستان‌ها و روسای دادگاه‌های بخش برگزار و ضمن تبادل نظر در راستای حسن

انجام می‌دهند مشمول نظارت و تعلیمات دادستان مرکز استان می‌باشند. ۱۶. مسئولیت اجرای صحیح این دستورالعمل با معاون نظارت دادستان کل کشور بوده و نتیجه اقدامات معموله مستمراً به این‌جانب گزارش خواهد شد. از قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰: ماده ۱۴ مرتکبان هر یک از تخلفات ذیل با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه یک تا چهار محکوم می‌شوند ۵- عدم اعمال نظارت مراجع عالی قضایی نسبت به مراجع تالی و دادستان نسبت به دادیار و بازپرس از حیث دادن تعلیمات و تذکرات لازم و اعلام تخلفات، مطابق قوانین مربوط.

مراجع ذی‌ربط، به معاونت نظارت دادستانی کل کشور اعلام نماید تا هماهنگی و پیگیری لازم به عمل آید. ۱۳. دادستان شهرستان مرکز استان آن دسته از قضاتی را که با رعایت دستورالعمل‌های ساماندهی زندانیان و اجرای احکام، در حسن استفاده از ظرفیت‌های جدید قانونی مانند تعلیق تعقیب و ... به‌طور موفق عمل کرده‌اند به دادستانی کل کشور معرفی خواهد نمود. ۱۴. دادستان شهرستان مرکز استان مکلف است آمارهای مورد نیاز دادستانی کل را طبق فرم‌های تهیه‌شده توسط معاونت نظارت دادستان کل، به‌صورت ماهیانه ارسال نماید. ۱۵. مقامات قضایی دادگاه‌های بخش در آن قسمت از وظایف خود که به جانشینی دادستان یا بازپرس



فصل دوم – وظائف و اختيارات دادستان در دادسرا

